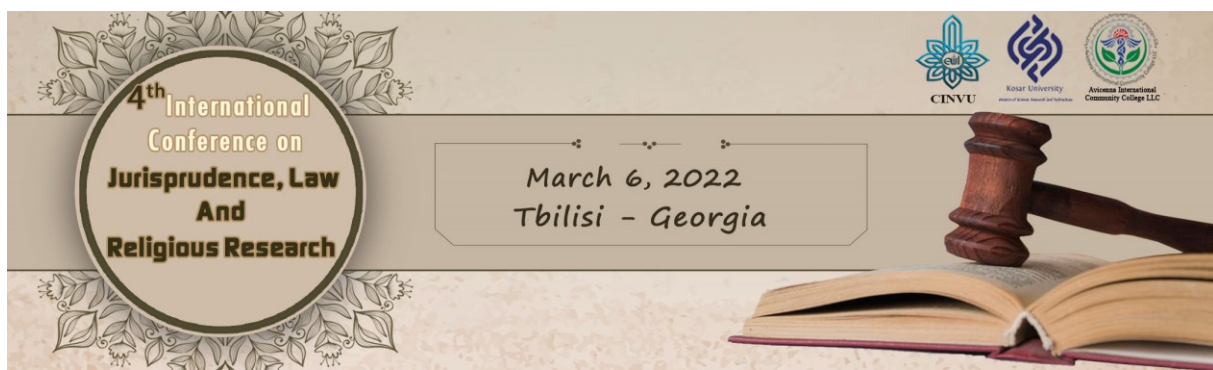




واکاوی مؤلفه‌های حکمرانی خوب و تاثیر آن‌ها بر جرایم حکومتی

دکتر حسین جوادی حسین آبادی^۱، عظیم آقابابائی طاقانکی^۲

۱- دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی و قاضی دادگستری

۲- کارشناسی ارشد حقوق شرکت‌های تجاری دانشگاه شهرکرد و قاضی دادگستری

چکیده

به لحاظ نظری مفهوم حکمرانی خوب پس از تجربه ناموفق اجرای تئوری دولت‌های بزرگ و دولت‌های حداقل به وجود آمد. هرچند از نظر تاریخی نظریه حکمرانی مطلوب پاسخی به چالش‌ها و بحران‌های اقتصادی بود ولی به تدریج در سایر حوزه‌هایی که به نوعی در آن حکومت با شهروندان مرتبط است راه یافت. بدین ترتیب همراه با ارایه تعریفی گسترده از حاکمیت مطلوب مؤلفه‌هایی برای آن شناسایی شد که می‌توان آن‌ها را با نظام‌های گوناگون اجتماعی و از جمله نظام حقوقی مرتبط دانست. مؤلفه‌هایی از جمله حاکمیت قانون، پاسخگویی دولت‌ها، مشارکت گسترده مردم در حکومت، مسئولیت‌پذیری، عدالت‌جویی حکومت، کسب مشروعیت مطابق با قرارداد اجتماعی، به رسمیت شناختن حق نظارت عمومی، فرآیند قانون‌گذاری صحیح، شفافیت، فرآیندمحوری به جای فردمحوری، ارتباط دو سویه مسئولیت و پاسخگویی از جمله ابعاد حکمرانی مطلوب هستند که به صورت مشخص با نظام حقوقی مرتبط است. در حوزه حقوق کیفری عدم رعایت هر کدام از ابعاد حکمرانی مطلوب می‌تواند منجر به یکی از اقسام جرایم حکومتی شود. بدین معنا که مصادیق جرایم حکومتی در واقع جرم‌انگاری عدم رعایت و اجرای مؤلفه‌های حاکمیت مطلوب در نظام حقوقی است. نوشتار پیش رو نشان می‌دهد که می‌توان هر کدام از جلوه‌های جرایم حکومتی را به عدم رعایت یک یا چند مورد از مؤلفه‌های حکمرانی مطلوب مرتبط دانست. فساد به عنوان یک جرم حکومتی نتیجه عدم شفافیت، فقدان نظارت عمومی و پاسخگویی نهادهای دولتی است که این‌ها به دلیل حاکمیت سیاستگذاری فردی بر جمعی، عدم پذیرش تکرر، پایین بودن میزان اعتماد حاکمان به شهروندان، حاکمیت رویکردهای کنترلی در بدنه حاکمیت باشد. همچنین می‌توان نقض حقوق بشر را به دلیل عدم پیش‌بینی سازوکارهای نظارت بر قدرت، عدم مسئولیت‌پذیری قوای حاکمه و عدم پاسخگویی آن‌ها دانست.

واژگان کلیدی: حکمرانی خوب، جرایم حکومتی، نقض حقوق بشر، فساد سیاسی